

مفاخر میراث فرهنگی ایران ۶ رایت منصور
جشن نامه دکتر سید منصور سید سجادی

به کوشش شاهین آریامنش

به نام خداوند جان آفرین

مفاخر میراث فرهنگی ایران (۶)
رایت منصور
جشن نامهٔ دکتر سید منصور سید سجادی

به کوشش
دکتر شاهین آریامنش



۱۴۰۱

سرشناسه	: آریامنش، شاهین، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: رایت منصور: جشن نامه دکتر سیدمنصور سیدسجادی / به کوشش شاهین آریامنش ؛ [برای] مرکز معرفی فرهنگی.
مشخصات نشر	: تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۴۸۲ ص:، مصور، جدول.
شابک	: 978-622-5684-12-6
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: جشن نامه دکتر سیدمنصور سیدسجادی.
موضوع	: سیدسجادی، سیدمنصور، ۱۳۲۷ - - یادنامه‌ها
موضوع	: سیدسجادی، سیدمنصور، ۱۳۲۷ -
موضوع	: باستان‌شناسان - - ایران - - مرگ‌شناسانه
Archaeologists -- Iran -- Biography	
باستان‌شناسی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها	
Archaeology -- Addresses, essays, lectures	
شناسه افزوده	: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. مرکز معرفی فرهنگی
شناسه افزوده	: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
شناسه افزوده	: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
Tourism & Research Institute of Cultural Heritage	
رده بندی کنگره	: CC115
رده بندی دیویی	: ۱۰۹۲/۹۳۰
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۸۷۷۸۲۶۴
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی	: فیبا



مرکز معرفی فرهنگی و گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن

رایت منصور

مفاخر میراث فرهنگی ایران (۶)، رایت منصور، جشن نامه دکتر سیدمنصور سیدسجادی

به کوشش: شاهین آریامنش

عکس جلد: مدیا رحمانی

چاپ و صحافی: نقش

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۴۰۱

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۸۴-۱۲-۶

ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان امام خمینی، ابتدای خیابان سی تیر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

تلفن: ۶۰-۶۶۷۳۶۴۵۲-۲۱ دورنگار: ۲۱-۶۶۷۳۶۷۸۸

تارنما: www.richt.ir رایانامه: cep@richt.ir

فروشگاه الکترونیکی کتاب: www.richtbook.ir

فهرست

- پیشگفتار ۷
- رایت منصور | شاهین آریامنش ۹
- آثار پژوهشی دکتر سید منصور سید سجادی ۱۱
- آثار باستانی دروازه آسیا (گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناختی شهرستان قصر شیرین) | علی هژبری ۴۳
- نگرشی بر گذر استقرار عشایر کوچ‌نشین دشت سرگچینه | مریم فتاحی پور و میثم گردی ۶۳
- عوامل مؤثر در شکل‌گیری و فروپاشی تمدن‌ها در سیستان | رضا مهرآفرین ۸۳
- شهرسوخته و نقش آن در شکل‌گیری فرهنگ بلخی-مروی | فرشید ایروانی قدیم و حامد طهماسبی زاوه ۱۰۱
- مطالعه تغییر و تحولات آداب و رسوم شهرسوخته براساس سنت تدفین | زهرا رجبیون ۱۱۳
- تفکیک جنسیتی کارگران دوه‌آغازیلامی در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد در ایران | روح‌الله یوسفی زشک، مرتضی حصارى، سعید باقى‌زاده و دنیا اعتمادى‌فر ۱۲۹
- مروری کلی بر ظرف پیکرک‌های گاو شهرسوخته | سعید پارسائیان ۱۴۷
- سیموروم، لولوبوم و گوتیوم؛ سرنخی جدید از حضور فرمانروایی بین‌النهرینی در پیرامون کوه بمو، ازگله-کرمانشاه | سجاد علی‌بیگی، شهرام علی‌یاری، جان مک‌گینیس و ناصر امینی‌خواه ۱۶۱
- پژوهشی بر پیکره‌های کامل دوران آشور نو | ایرج رضائی ۱۸۱

- تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های سراوان (جنوب شرق ایران) بر پایه شواهد باستان‌شناختی | حسین مرادی، مجتبی سلطانی و حسین سرحدی دادیان
۲۱۳
- قبری از لور بالاجوق، ارومیه | بهروز خان‌محمدی و علی صدرائی
۲۳۵
- بررسی آثار معماری نویافته در دامنه تپه زیویه؛ کردستان آیا بنای خشتی زیویه یک مجموعه بزرگ‌تر است؟ | سیروان محمدی قصریان و علی هژبری
۲۴۹
- جایگاه الهه‌های اورارتویی در فرهنگ اورارتوها | مریم دارا
۲۶۵
- آتشکده ساسانی کلگه چرداول ایلام | علی نوراللهی
۲۸۳
- نظر برخی از باستان‌شناسان و محققان درباره دخمه‌گذاری به شیوه عرضه‌داشت در مقابل لاشخورها مهدی رهبر
۳۴۱
- یادداشت‌هایی درباره شرق ایران در دوره پس از هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان: ارزیابی جدید و اولیه درباره کاوش‌های ایزمئو در قلعه تپه و قلعه سام در سیستان | جولینو مارسکا، ترجمه آزاده آزادی‌نژاد
۳۷۳
- بازخوانی جغرافیای تاریخی و رویکرد مذهبی علویان زیدی تبرستان با استناد به منابع سکه‌شناسی مجید حاجی‌تبار
۳۸۳
- کاروانسرای نویافته جمال‌آباد ارومیه و بازبینی مسیر جاده ابریشم در آذربایجان غربی | بهروز خان‌محمدی و علی صدرائی
۴۰۷
- گزارش فصل سوم کاوش باستان‌شناختی محوطه کهنک شهرستان سریشه | محمد فرجامی و علی اصغر محمودی‌نسب
۴۲۵
- واکاوی کتیبه نویافته مسجد کرمانی (مجموعه آرامگاهی شیخ احمد جام) | فرامرز صابرمقدم
۴۴۵

عوامل مؤثر در شکل‌گیری و فروپاشی تمدن‌ها در سیستان

رضا مهرآفرین

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

چکیده

سیستان در دوره‌های مختلف تاریخی دارای نقش ممتازی در خلق و گسترش تمدن در شرق ایران بوده است. شرایط زیست محیطی مناسب این منطقه مانند آب فراوان، خاک آبرفتی، پوشش گیاهی و جانوری مطلوب موجب گردیده بود که اقوام گوناگونی در این منطقه اسکان یابند و با ساخت شهر و آبادی‌های فراوان به پیشرفت‌های قابل توجهی برسند. سیستان در دوران حیات شناخته شده‌ی خود سه دوره استقرار انبوه و سه گسست استقراری (Gap)، یا ادوار فاقد استقرار را پشت سر گذرانده است. عوامل متعددی در تحولات اجتماعی و استقراری سیستان نقش داشته‌اند. این مقاله می‌کوشد با بررسی شواهد جغرافیایی، مطالعات تاریخی و بررسی‌های باستان‌شناختی عوامل مؤثر در چرخه‌ی پیدایش و فروپاشی تمدن‌ها در سیستان را شناسایی نماید. آب و مسائل سیاسی در کنار دیگر عوامل طبیعی و انسانی دو عامل عمده‌ی این چرخه را تشکیل می‌دهند. عواملی که با شناخت دقیق آنها می‌توان آینده بهتری برای منطقه رقم زد.

واژه‌های کلیدی: سیستان، تمدن، بررسی‌های باستان‌شناسی، پدیده‌های جغرافیایی

مقدمه

استان سیستان و بلوچستان با وسعتی حدود ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع بزرگ‌ترین استان ایران است که در جنوب شرق این کشور واقع شده است. این استان از دو ناحیه سیستان و بلوچستان تشکیل شده، که از لحاظ طبیعی با یکدیگر متفاوت‌اند. ناحیه سیستان با ۸۱۱۷ کیلومتر مربع وسعت، در شمال این استان قرار دارد و حوزه مسطح و مسدودی را تشکیل می‌دهد که از آبرفت‌های دلتای قدیمی و فعلی رود هیرمند تشکیل شده است (تصویر ۱). در منطقه سیستان از اواخر هزاره چهارم پم تاکنون تمدن‌های زیادی بوجود آمده‌اند. چنانکه برخی از آنها به اوج شکوفایی رسیدند و پس از مدتی از بین رفتند.

بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی که در سیستان ایران صورت گرفت (موسوی حاجی و مهرآفرین، ۱۳۸۶: ۱۷-۳۱) نشان داد که از اواخر هزاره چهارم پم تا اوایل هزاره دوم پم (عصر مفرغ) سرتاسر سیستان جنوبی (منطقه شیله، تاسوکی و حوضدار) پوشیده از محوطه‌های باستانی است. پس از این دوره ما شاهد یک گسست استقراری از آغاز هزاره دوم پم تا حکومت هخامنشی، به مدت ۱۵۰۰ سال در سرتاسر سیستان ایران هستیم که هیچ نوع استقرار ثابت و درازمدتی مانند شهرها و آبادی‌های عصر مفرغ در منطقه وجود نداشته است. البته این گسست استقراری (عدم پیدایش آثار و مواد فرهنگی) در دوره پیش از عصر مفرغ (عصر مس‌سنگی) نیز در سیستان ایران قابل مشاهده است (مهرآفرین و موسوی حاجی، ۱۳۸۸: ۱۴۵). دوره دوم آبادانی سیستان، همزمان با شاهنشاهی هخامنشی آغاز و تا سده چهارم میلادی ادامه می‌یابد. اوج این دوره به حکومت اشکانیان می‌رسد. پس از این دوره نیز هیچگونه آثار و مواد فرهنگی از سده‌های نخست اسلامی در منطقه بدست نیامد. آخرین دوره آباد سیستان که آثار باستانی فراوانی از آن در سیستان ایران شناسایی شده، متعلق به سده شش هجری قمری تا صد سال پیش است. به راستی علت این افت و خیزها در سیستان چه بوده است؟

عدم پیدایش و شناسایی آثار و مواد فرهنگی سه گسست استقراری پس از هر دوره‌ی آباد را شاید بتوان بر اساس اطلاعات موجود حداقل به دو دلیل توجیه کرد. نخست این که اطلاعات باستان‌شناسی ما از سیستان باستان کامل نیست و چه بسا آثار و مواد فرهنگی باستان‌شناسی از این ادوار در افغانستان وجود داشته باشد که هنوز به علت انجام نیافتن بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی شناسایی نگردیده‌اند. پیدایش و افول تمدن‌ها در سیستان همیشه تابع جریان هیرمند و دیگر ریزابه‌های آن بوده است. هرگاه هیرمند جاری باشد، شهرها و آبادی‌های کوچک و بزرگ در دو سوی

این رود و انهار متعدد آن شکل می‌گیرند و هرگاه از جریان باز بماند، این شهرها و روستاها پس از چندی متروک می‌گردند. علاوه بر این، چون سرزمین سیستان مسطح است و رسوبات فراوانی سطح آن را پوشانده است؛ بادهای محلی از جمله باد ۱۲۰ روزه که با شدت در این منطقه می‌وزند با جابه‌جایی این رسوبات موجب انباشته شدن انهار و در نتیجه هموار شدن بستر آن‌ها می‌گردند. این پدیده باعث می‌گردد که هیرمند و انهار متعدد آن پیوسته در این سرزمین تغییر بستر دهند. از این رو، این احتمال وجود دارد که در دوره پیش از حیات شهر سوخته (۳۲۰۰ پم) و از آغاز هزاره دوم پم تا دوره هخامنشی و همچنین دوره سوم که آثار استقرار جوامع انسانی در سیستان ایران شناسایی نشده است، هیرمند و ریزابه‌های آن به سمت جنوب یا شرق (هم اکنون در افغانستان قرار دارند) تغییر مسیر داده باشند و در نتیجه شهرها و آبادیها در سیستان شرقی استمرار یافته باشند (مهرآفرین، ۱۳۹۱: ۲).

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش بر اساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت از نوع تحقیقات تاریخی است که در آن موضوع مورد بحث با استفاده از منابع مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی در چهارچوب رهیافت تاریخی تا حصول نتایج علمی دنبال می‌شود.

سیستان و تمدن دیرینه آن

داستان فراز و فرود تمدن در سیستان را می‌توان حاصل محیط جغرافیایی و انسان دانست که در این میان نقش محیط بسیار تعیین کننده‌تر بوده است.

الف) عوامل محیطی

مهم‌ترین عامل زایش و بالندگی تمدن در سیستان، رود هیرمند بود که با جریان طبیعی خود پس از آبیاری زمین‌های وسیع کشاورزی، عبور از شهرها و روستاها وارد دریاچه هامون می‌شد و معیشت مردم منطقه را که عمدتاً بر پایه سه عنصر کشاورزی، دامداری و صیادی استوار بود، تأمین می‌کرد. هرگاه این عامل بر اثر پدیده‌های طبیعی همچون خشکسالی، سیلاب‌های مهیب یا بر اثر دخالت عوامل انسانی مانند ایجاد سد، بندهای انحرافی و مسایل هیدروپولیتیکی دچار دگرگونی می‌شد، توان اقلیمی، زیست محیطی و انسانی آن کاملاً به هم می‌خورد و تغییرات چشمگیری در منطقه پدید می‌آمد.

ساکنان سیستان به علت کمی ریزش نزولات جوی و آبهای زیرزمینی، هیچ‌گونه وابستگی به این پدیده‌ها ندارند. مقدار ریزش باران در منطقه بسیار اندک و حدود ۴۷/۵ میلی‌متر در سال است (زمردیان و پورکرمانی، ۱۳۶۷: ۱۰۱). از سوی دیگر به دلیل ذرات رسوبی و متراکم خاک، سفره‌های آب زیرزمینی در منطقه شکل نگرفته و مردم سیستان از دسترسی به این نعمت محروم مانده‌اند (قهرودی تالی، ۱۳۷۰: ۴۹).

در دوره‌هایی که سیستان دارای آثار سکونت‌ی فراوان است، میزان بارش در سرچشمه‌های رود هیرمند (کوه‌های هندوکوش در افغانستان) بسیار زیاد بوده است. از این رو، هیرمند و هشت رودخانه کوچک دیگر آن در این ایام دارای آب فراوان بودند. این مساله موجب گردیده بود که دریاچه‌های سه‌گانه سیستان پر از آب گردند و تشکیل یک دریاچه‌ی بزرگ و پهناور به نام آریاپلوس بدهند (Hazlitt, 1851, 49). وجود آب فراوان، کشتزارهای سرسبز و پهناور، جنگل و مراتع موجب می‌گردید که هوای دلپذیری در منطقه بوجود آید. این شرایط همراه با صید و شکار فراوان در دریاچه هامون و پیرامون آن، پرورش گاو و دامداری زمینه را برای مهاجرت اقوام و گروه‌های مختلف ایرانی به سیستان فراهم می‌ساخت. بر اساس مطالعات باستان‌شناسی، سیستان دارای سه دوره استقراری طلایی است که پیش از این در مقدمه به آنها اشاره شد.

سیستان سرزمینی است که کاملاً به جریان‌های آبی رودخانه هیرمند وابسته است و با کوچکترین تغییری در وضعیت منابع آبی آن، چهره این سرزمین دگرگون می‌گردد. هیدرولوژی این سرزمین محدود به رودخانه هیرمند و چند رودخانه‌ی فصلی دیگر است که منشأ تغذیه دریاچه هامون است. بنابر این، در صورت خشکی و کم‌آبی این رودخانه‌ها، آب دریاچه هامون نیز خشک یا کم می‌گردد. اگر به گفته هرودوت مصر بخشش نیل است سیستان نیز بخشش رود هیرمند بود. یاقوت می‌گوید که هزار ریزابه به این رود می‌ریختند و هزار نهر از آن جدا می‌گردید (باسورث، ۱۳۷۰: ۷۰).

خاک سیستان متشکل از رسوبات دانه‌ریزی است که نمی‌توان در آن مانند سایر نقاط ایران مبادرت به حفر چاه عمیق یا قنات نمود. از سویی به دلیل عدم کوهستانی بودن منطقه، هیچ چشمه آبی نیز در آن جریان ندارد. از این رو هرگاه هیرمند به هر علتی چه طبیعی و چه انسانی از جریان باز بماند، ساکنان آن ناگزیر به ترک منطقه می‌گردند. این روند بارها در تاریخ سیستان رخ داده و جمعیت زیادی از ساکنان آن تن به مهاجرت داده‌اند.

در ادواری که این رود آب کافی در هر بخش از سیستان وارد می‌کرد، در مدت کوتاهی آن منطقه به دلیل داشتن خاک مرغوب شکوفا می‌گردید. در چنین مواقعی جماعات انسانی از دیگر نقاط به

آنجا مهاجرت نموده و در آن اسکان می‌یافتند و پس از آن شهرها و روستاهای فراوانی در منطقه شکل می‌گرفت. با برافتادن آب هیرمند نیز این جریان معکوس عمل می‌کرد و منطقه متروک و تبدیل به بیابانی لم‌یزرع می‌گردید. از این روساکنان آن به دیگر مناطق ایران مهاجرت می‌کردند. دلیل عمده‌ی تناوب آبادانی و ویرانی، وابستگی کامل سیستان به هیرمند و عدم وجود چشمه، قنات، چاه آب و ریزش باران در آن بوده است.

از آنجاکه سیستان سرزمین مسطحی است و رسوبات فراوانی سطح آن را پوشانده، بادهای محلی از جمله باد ۱۲۰ روزه که با شدت در این منطقه می‌وزند با جابه‌جایی این رسوبات موجب انباشته شدن انهار و در نتیجه هموار شدن بستر آن‌ها می‌گردند. این پدیده باعث می‌گردد که هیرمند و انهار متعدد آن پیوسته در این سرزمین تغییر بستر دهند. از این رو، این احتمال وجود دارد که در دوره پیش از حیات شهر سوخته (۳۲۰۰ پم) و گسست استقراری دوم آن (از آغاز هزاره دوم پم تا اواسط هزاره اول پم) که آثار استقرار جوامع انسانی در سیستان ایران شناسایی نشده است، هیرمند و ریزابه‌های آن به سمت جنوب یا شرق (هم‌اکنون در افغانستان قرار دارند) تغییر مسیر داده باشند و در نتیجه شهرها و آبادیها در سیستان شرقی استمرار یافته باشند (مهرآفرین، ۱۳۹۱: ۲). به عبارتی شاید به دلیل نامساعد بودن شرایط زیست محیطی مناسب در هیرمند سفلی (ایران)، چنین استقرارهایی در هیرمند علیا (افغانستان) شکل گرفته باشد. البته خشکسالی‌های سیستان را نیز نباید از یاد برد. چنان که این جریان در سده‌های اخیر موجب مهاجرت گروه‌های وسیعی از ساکنان آن به مناطق شمالی ایران شده است. امکان دارد این پدیده با چنین الگویی در ادوار باستان نیز رخ داده باشد.

سرزمین سیستان مانند کاسه‌ی متحرکی است که آب اندک داخل آن با هربار جابجایی، در یک نیمه جمع و بخش دیگر آن خالی می‌گردد. رود هیرمند در داخل این کاسه بزرگ قرار گرفته که پیوسته جابجا می‌شود و متعاقب آن نهرها و حتی دریاچه هامون نیز پس و پیش می‌رود. با جابه‌جایی رود هیرمند، شهرها و مراکز سکونت نیز به حرکت در می‌آیند و جابه‌جا می‌شوند.

از مهمترین دلایل این جابجایی عوامل زمین‌شناسی است که شامل پدیده‌های تکتونیکی، فرسایش پذیری و رسوبگذاری در منطقه می‌باشد. از میان این عوامل، فرسایش پذیری در منطقه نقش محسوس‌تری را ایفا نموده است. زیرا وجود لایه‌ها و عدسی‌های ماسه‌ای ریزدانه‌ی بادی و فاقد چسبندگی و فرسایش‌پذیر در بین تناوب لایه‌های ریزدانه رسی و سیلتی سطحی، فرسایش-پذیری بستر رودخانه هیرمند را تسهیل نموده است. با توجه به ریزدانه بودن خاک منطقه، پدیده‌ی واگرایی خاک هم می‌تواند از عوامل مؤثر در تسهیل فرسایش و جابجایی رودخانه هیرمند باشد.

در این پدیده، رس‌هایی که در طبیعت مشاهده می‌شوند با جریان آب از درون آنها به شدت شسته می‌شوند. از عوامل تکتونیکی مؤثر در تغییر مسیر رودخانه‌ی هیرمند می‌توان به رشد چین‌خوردگی در پی سنگ اشاره نمود. محور این چین‌خوردگی منطبق با تغییر مسیر این رودخانه به سمت شمال در نزدیک مرز ایران و همچنین اختلاف ارتفاع بین هامون هیرمند و گودزره گردیده است. در کنار این عوامل، نقش بادهای شدید منطقه و عوامل انسانی نیز کاملاً آشکار می‌باشد. باتوجه به اینکه این عوامل تأثیرگذار در حال حاضر فعال می‌باشند، لذا تأثیر آنها در زندگی مردم سیستان هرچند در دراز مدت همچنان وجود خواهد داشت (ابراهیم‌زاده و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۶).

شهرسوخته که هم اکنون در منطقه‌ای بیابانی و غیر مسکونی واقع گردیده، روزگاری منطقه‌ای بسیار آباد و پر جمعیت بود و روستاها و شهرک‌های بی‌شماری در دو سوی رود بیابان و پنجه‌های آبرفتی آن دایر بودند. اما بر اثر جابه‌جایی رودبیابان و خشک شدن تدریجی آن، گروه‌های انسانی این منطقه را ترک کردند.

عکس‌های ماهواره‌ای سیستان به خوبی مسیر جریانهای آبی منطقه را در گذشته نشان می‌دهند. با مطالعه بر روی این تصاویر، می‌توان رودخانه‌ها و محوطه‌های باستانی منطقه را شناسایی نمود (تصویر ۱).

خشکسالی‌هایی که هر از چند گاهی در سیستان اتفاق می‌افتد، موجب مهاجرت مردم منطقه به دیگر مناطق مطلوب جغرافیایی می‌گردد. «در خشکسالی ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۱ بیشتر مردم سیستان به دشت گرگان مهاجرت کردند» (باستانی پاریزی، ۱۳۷۶: ۹۰). این مهاجرت موجب کاهش جمعیت منطقه شد.

پس از آب، مهمترین عنصر پایداری گروه‌های انسانی در یک منطقه، اقلیم مناسب است. شرایط بد آب و هوایی موجب می‌گردد تا افراد تمایل کمتری به استقرار در یک محل از خود نشان دهند. سیستان از نظر اقلیمی دارای آب و هوای گرم و بیابانی است و دو فصل زمستان و تابستان دارد. زمانی که دریاچه هامون پر از آب باشد، شرایط برای زندگی قابل تحمل است؛ اما هنگامی که دریاچه خشک شود، منطقه تبدیل به کویری می‌گردد که حیات را با مشکل مواجه می‌سازد. در این ایام بادهای ۱۲۰ روزه با بلند کردن گرد و خاک و زوزه مداوم، عرصه را بر آدمی تنگ می‌کند.

باد ۱۲۰ روزه یکی از عوامل ناپایداری گروه‌های انسانی در منطقه است. هنگام وزش باد، شن‌های روان به حرکت درمی‌آیند و بر سر راه خود به هر مانعی که برخوردند به تدریج در پشت آن متراکم می‌گردند، تا این که تمام مانع را در خود بپوشانند. روستاها و بناهای زیادی در زیر تپه‌های

شنی سیستان مدفون شده‌اند. هم اکنون به راحتی می‌توان این روستاهای مدفون را در منطقه مشاهده نمود (تصویر ۲).

با انباشته شدن شن در نهرها، رودخانه‌ها تغییر مسیر می‌دهند و با تغییر آنها زمین‌های کشاورزی خشک، و استقرارهای انسانی جابه‌جا می‌شود. به طور کلی «باد، خاک کشت را می‌برد، آب دریاچه را مواج می‌کند و بعد بخار می‌کند. زمین را شور می‌کند به صورت باتلاقی که گاهی آدم و حتی شتر در آن دفن می‌شود. از قدیم می‌گفتند در سیستان شن‌ها راه می‌روند» (باستانی پاریزی، ۱۳۷۶: ۸).

یکی دیگر از عناصر آبادانی سیستان، خاک رسوبی و حاصلخیز آن است که بر اثر متراکم شدن رسوبات رود هیرمند طی گذشت میلیون‌ها سال، حجم وسیعی را به وجود آورده است. با ته‌نشست رسوبات دانه‌ریز در این منطقه، سیستان تبدیل به دشت مسطحی گردیده است که با هر سیلابی بستر رود هیرمند و دیگر نهرهای آن تغییر مسیر می‌دهد. در چنین موقعیتی شهرها و روستاهایی که در حاشیه رودها و کانال‌های پیشین قرار داشتند، بر اثر خشکسالی متروک و روستاها و آبادی‌های جدید در حاشیه و پیرامون بسترهای جدید شکل گرفتند. این فرآیند موجب گردیده است که سیستان پوشیده از محوطه‌های باستانی فراوانی گردد که فقط شمار اندکی از آنها قابل رؤیت است و به احتمال، تعداد کثیری نیز در زیر حجم سنگین رسوبات آبی و بادی از منظر عمومی پنهان مانده‌اند (تصویر ۳).

دو پدیده جغرافیایی دیگر که در شکل‌گیری یا نابودی تمدن‌های دشت سیستان سهم قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند، کلو تک و تراس می‌باشند. چنان که می‌دانیم پوشش گیاهی در مزارع، جنگل‌ها و بیابان‌ها به صورت‌های مختلفی دیده می‌شوند. معمولاً این پوشش در بیابان‌ها، شامل بوته‌هایی است که به صورت جزایر پراکنده می‌روید و در فاصله‌ی بین آنها، زمین عریان و بدون گیاه است. در نقاط بدون گیاه، به تدریج شیارهایی در امتداد جهت وزش باد به وجود می‌آید و در نتیجه، محل بوته‌ها و پوشش گیاهی به صورت پشته‌های برجسته‌ای باقی می‌ماند. در ایجاد این پدیده، جریان‌های سیلابی نیز مؤثر است. «از سوی دیگر رودخانه هیرمند دارای چهار تراس شناخته شده‌ی اصلی است. بسیاری از محوطه‌های باستانی سیستان، از جمله شهر سوخته، بر روی تراس رامرود واقع شده‌اند» (موسوی حاجی، ۱۳۸۲: ۵۸-۵۹).

موقعیت ژئوپولیتیک خاص سیستان عامل دیگری در پیدایش تمدن‌ها در این منطقه محسوب می‌گردد. این منطقه بر خلاف امروز، دروازه‌ی ورود به هند محسوب می‌شد و به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود که در مسیر شاهراه‌های ارتباطی بین شرق و غرب قرار داشت، از اهمیت فرهنگی و

نظامی و تجاری زیادی در دوران‌های مختلف برخوردار بود. در اینجا، کاروان‌های تجاری از مناطق مختلف ایران به سوی سیستان روانه می‌شدند و پس از توقف در مرکز آن و مبادله کالا و اجناس، به سوی هند و نواحی شرق رهسپار می‌شدند (مهرآفرین، ۱۳۸۱: ۱۳۰).

ب) عوامل انسانی

در کنار عوامل طبیعی به عوامل انسانی نیز در شکل‌گیری یا فروپاشی تمدن‌ها در سیستان باید اشاره نمود. داستان بستن آب به روی ایران‌شهر توسط افراسیاب و هجوم اقوام تورانی و سکایی به منطقه سیستان در ادبیات پهلوانی و اساطیر ایران شناخته شده است. هم‌اکنون با بستن سد بر روی هیرمند علیا (افغانستان) و انحراف آب آن، منطقه پایین دست یا هیرمند سفلی (ایران) جزئی از کویر ایران شده است. آیا این فرایند در دوره‌هایی که از سیستان آثاری بدست نیامده، تکرار نشده است؟

در دوره‌های ترابی، سیستان بسیار آباد می‌گردد. در این ادوار تمام سطح سیستان قابل کشاورزی است. مراتع پیرامون دریاچه هامون و نزارهای داخلی آن محل مناسبی برای پرورش دام و گاو می‌گردد (تصویر ۴). دریاچه هامون پر از انواع ماهی و پرندگان شکاری می‌شود. طبیعی است که در چنین مواقعی اقوام و گروه‌های مختلف اجتماعی از دیگر نقاط به سمت سیستان سرازیر شوند و در مدت کوتاهی شهرها و روستاهای فراوانی در منطقه شکل بگیرد. گاهی قدرت تازه‌واردان بسیار بیشتر از ساکنان بومی است و آنها با جنگ و نزاع بر اقوام محلی غلبه می‌یابند. چنانکه سکاها با ورود خود در قرن دوم قبل از میلاد به سیستان، نه تنها نام خود را بر منطقه تحمیل کردند و از آن پس سکستان جای نام زرنکه (نام سیستان در دوره هخامنشی) یا درنگیانای یونانی را گرفت؛ بلکه آنها با قدرت فراوان خویش که متکی بر جنگ‌آوری بود، قلمرو حکومتی خود را از سیستان تا سواحل سند گسترش دادند.

در این ادوار، رود هیرمند و دیگر انهار سیستان دارای آب فراوان بوده‌اند. به گونه‌ای که مازاد آب وارد دریاچه هامون می‌گردید و متعاقب آن وسعت این آبگیر بزرگ به منتهی درجه خود می‌رسید. وجود محوطه‌های فراوان از این دوره، نشان دهنده جمعیت زیاد در منطقه است. به احتمال قوی سیستان در این ایام به علت شرایط زیست محیطی مناسب یک سرزمین مهاجر پذیر بود که از دیگر نواحی، اقوام مختلف به آنجا مهاجرت می‌کردند. خاندان سورن پهلوی که یکی از هفت خاندان بزرگ دوره اشکانی محسوب می‌گردید، ساکن و از ملوک الطوائف سیستان بودند. ثروت فراوان سیستان که در این دوره از راه کشاورزی، دامداری، تجارت و صنعت بدست می‌آمد؛ این خاندان را به ثروت و

قدرت فراوان رساننده بود. چنان که تاج شاه متوفی را سرکرده‌ی این خاندان بر سر ولیعهد می‌گذاشت. بیشتر داستان‌های پهلوانی و حماسی ایران در این دوره در سیستان بوقوع پیوسته است. گرچه سکاها با ورود خود موجب ارتقاء عناصر فرهنگی و سیاسی سیستان شدند، اما اعراب، غزنویان، مغولها، تیمور لنگ و افاغنه با حملات وسیع و گسترده‌ی خود موجب تخریب شهرها، کشتار عده کثیری از مردم سیستان و مهاجرت تعداد دیگری از آنان به سایر نقاط شدند (تصویر ۵). احتمال دارد چنین رویدادهایی در ادواری که آثار باستانی در سیستان بدست نیامده، نیز رخ داده باشد.

سومین اهمیت سیستان به‌خصوص در دوران حکومت ساسانی، جنبه‌های قوی مذهبی این سرزمین بود. سیستان یکی از کانون‌های اصلی و مهم کیش زرتشتی به حساب می‌آمد. ساسانیان که در اعتقادات مذهبی خود تعصب شدیدی داشتند به سیستان به دیده یک سرزمین مقدس می‌نگریستند (تصویر ۶). چنان که یکی از مهم‌ترین آتشکده‌های آنها در این سرزمین قرار داشت و حتی پیشوایان دینی سیستان، از منزلت و جایگاه والایی در دربار برخوردار بودند. شرایط زیست محیطی مناسب (آب فراوان، خاک خوب، هوای معتدل، مرتع، صید و شکار و تجارت) در دوره تاریخی سبب گردیده بود که اقوامی مانند یونانی‌های باختر، سکاها و اشکانیان به آن چشم بدوزند. هجوم اقوام مختلف با حرفه‌ها و نیازهای متنوع و فشرده‌ی جمعیت که موجب رقابت می‌گردید، از دیگر عناصر پیشرفت و تاثیرگذار در شکوفایی تمدن‌های سیستان بوده است. بررسی‌های باستان‌شناختی و نیز حفاری‌هایی که در سیستان و بالاخص شهر سوخته انجام شده، نشان از جمعیت انبوه در این منطقه (در سال‌های ترآبی) دارد که با تلاش‌های بی‌وقفه خود توانستند زمینه‌های رشد و شکوفایی صنعتی، کشاورزی، تجاری، دامداری، صیادی و ... را در منطقه بوجود آورند و به نیازهای روزافزون ساکنان آن پاسخ مثبت دهند (تصویرهای ۷-۹).

معیشت ساکنان منطقه در عصر برنز علاوه بر کشاورزی، صنایع و تجارت، تا حدود زیادی وابسته به شکار و صیادی بود. این مساله را می‌توان از فراوانی پوینت‌های سنگی برگی شکل (سرتیر) و نیز نقش ماهی و پرندگان بر روی سفال‌های منقوش که در سطح تعداد زیادی از محوطه‌های حوزه جنوب قلعه رستم پراکنده گردیده است، دریافت. شکار پرندگان و صید ماهی همواره از مشاغل بوده است که طایفه‌ای به نام صیاد در سیستان به آن اشتغال داشتند. هنگامی که دریاچه هامون پر از آب باشد، انواع پرندگان که حتی برخی از مناطق دوردستی مانند سیبری به آنجا مهاجرت می‌کردند؛ با پروازهای دسته جمعی خود شور و نشاط خاصی در منطقه بوجود می‌آوردند. در چنین ایامی که

آب شیرین هیرمند و ریزابه‌های آن و دریاچه هامون مملو از ماهی و پرندگان مختلف شکاری بود، فرصتی برای کشاورزان منطقه بوجود می‌آمد که علاوه بر صیادان، خود نیز به صید و صیادی بپردازند. بنابر این، علاوه بر تأمین مایحتاج عمومی از طریق کشت محصولات که به دلیل وجود آب فراوان و خاک حاصلخیز بیشترین میزان را به خود اختصاص می‌داد؛ باید به تأمین پروتئین مردم از طریق صید ماهی و شکار پرندگان نیز توجه داشت.

گاهی مرزهای سیاسی و محدودیت‌هایی که به وسیله حکومت‌ها ایجاد می‌شود، در فرایند رشد تمدن‌ها وقفه ایجاد می‌کند. مرزهای سیاسی که به وسیله دولت انگلیس در قرن نوزدهم میلادی در سیستان به وجود آمد، موجب بن‌بست سیستان و انزوای فرهنگی و مبادلاتی آن با مناطقی شد که تا پیش از این رابطه‌ی تنگاتنگی با آنها داشت. در این موقعیت، سیستان از شکل پویا و مترقی پیشین خود خارج و در بازی مبادلات فرهنگی و تمدنی کنار گذاشته شد. در تقسیم سیستان، آب هیرمند در اختیار افغانستان قرار گرفت و علاوه بر این، سیستان از دسترسی به مناطق شرقی و کلیدی خود محروم ماند.

با این تقسیم ناعادلانه، يك فاجعه زیست محیطی و فرهنگی در منطقه به وجود آمد. چنان‌که سیستانی‌ها از تسلط بر هیرمند محروم ماندند و دیگر نتوانستند مانند گذشته رود بیابان یا رامرود را لایروبی و آن را احیاء کنند. با این عمل، مردم سیستان دیگر هرگز قادر نخواهند بود سدی مانند سد رستم، در ابتدای ورودی هیرمند در جنوب سیستان احداث کنند و با حفر کانال‌های متعدد، تراس‌های ناهموار دشت سیستان، خصوصاً منطقه رود بیابان و حوضدار را به زیر کشت ببرند. «تا وقتی که اراضی تراکون - رامرود در دست ایران و بندر کمال خان در دست افغانستان قرار دارد، این اراضی باید بی آب بمانند. زیرا تأمین آب این اراضی فقط از خاک افغانستان امکان‌پذیر است و آن هم تحت شرایط فعلی غیر ممکن است» (مک‌ماهون، ۱۳۷۸: ۴۱۱). در این صورت سیستان هرگز شرایط آباد گذشته‌ی خود را تکرار نخواهد کرد. این رویداد را در بندهشن که به تاریخ اساطیری ایرانیان باستان باز می‌گردد، می‌توان دید. «در باره افراسیاب گوید که در دریای کیانسه هزار چشمه را، بزرگ و کوچک به بلندی اسب، به بلندی شتر، به بلندی گاو و به بلندی خر پایمال کرد. در همان دریا، چشمه زراومند را که (جز) هلمندرود تفت است، پایمال کرد. دیگر واثننی رود و شش آب ناورو را در همان دریا پایمال کرد و مردم نشانده را بیرون کرد» (فرنبرگ‌دادگی، ۱۳۶۹: ۷۶). افراسیاب که مترادف با دیو خشکسالی است، موجب ویرانی سیستان گردید و ساکنان آن را با زور از محل زندگی‌شان بیرون و به ترکستان کوچانید. البته اگر افراسیاب این کار را نمی‌کرد باز بخشی از مردم

سیستان به علت خشکسالی به دیگر مناطق ایران مهاجرت می‌کردند. هم چنان که پس از تقسیم سیستان و بر اثر انحراف آب هیرمند و بستن سد بر روی آن توسط دولت افغانستان، سیستان دچار خشکسالی و خیمی گردید و بسیاری از ساکنان آن مجبور به ترک خانه و کاشانه خود و کوچ به مناطق دیگر ایران گردیدند (مهرآفرین، ۱۳۹۱: ۶۲).

«هولدیچ به ثروت‌های آن زمان سیستان اشاره می‌کند و به حق می‌افزاید سیستان روزگاری انبار غله آسیا بود و اگر سیستم آبیاری بسیار عالی گذشته احیاء شود باز هم می‌تواند انبار غله آسیا باشد. پس به خاطر شرایط آب و هوا سیستان ویران نشده است. بلکه به این خاطر که مانند سابق چشمه‌های کمکی طبیعی مورد استفاده کامل قرار نمی‌گیرد» (هدین، ۲۵۳۵: ۵۸۶).

از آنجاکه سیستان بر سر راه‌های تجاری تمدن‌های حوزه سند و شمال هندوکوش از يك سو و داخل فلات ایران و تمدن‌های حوزه بین‌النهرین از سوی دیگر قرار داشت، اهمیت زیادی پیدا کرده بود. این اهمیت حتی به تمدن‌های پیش از تاریخ نیز می‌رسد.

شبکه گسترده راه‌های ارتباطی بین سیستان و تمدن‌های مجاور آن باعث پیشرفت و غنی شدن منطقه در دوران پیش از تاریخ، دوران تاریخی و حکومت صفاریان شده بود. در این جاده‌های تجاری، کاروانیان می‌توانستند مال‌التجاره خود را از کناره‌های هیرمند تا سواحل سند و دره کابل حمل کنند. جاده‌های شمالی پلی بین سیستان و خراسان تا آسیای میانه و حتی نواحی داخلی ایران محسوب می‌گردید. البته گاهی از این جاده‌ها برای تخریب و کشتار و ویرانی منطقه توسط نیروهای خصم استفاده می‌شد (تصویر ۱۰). با پیدایش مرزهای مصنوعی درون اکولوژی بسته‌ی سیستان، این قاعده بهم خورد و سیستان تبدیل به یک منطقه ایزوله یا کوچه‌ای بن‌بست گردید که از داشتن ارتباطات تجاری و فرهنگی زمان اسبق باز ماند.

برآیند

دوره‌های متناوب خشکی و رطوبت از عمده‌ترین تغییرات الگوی استقراری، شکل سکونتگاه و میزان جمعیت در سیستان بشمار می‌رود. برای یافتن آثار استقراری ادوار مختلف و دیگر مؤلفه‌های آن، باستان‌شناسان ناگزیرند تا سیکل تغییرات هیدرولوژی، اقلیم، اکولوژی و تاریخ منطقه را بشناسند تا بر اساس آنها بتوانند در کنار فعالیت‌های میدانی و گسترده‌ی باستان‌شناختی، اماکن باستانی را شناسایی و سپس تحلیل نمایند.

سیستان به دلیل دارا بودن شرایط خاص جغرافیایی و توانمندی‌های زیستگاهی از عصر مفرغ (۳۲۰۰ پم) به این سو همواره مورد توجه اقوام مختلف بوده است. مطالعات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که در سیستان سه دوره استقراری انبوه و سه گسست استقراری وجود داشته است. از سه دوره استقراری انبوه که می‌توان از آنها به ادوار طلایی سیستان یاد کرد، آثار باستانی فراوانی بدست آمده است. این ادوار عبارت‌اند از: ۱. عصر مفرغ (۳۲۰۰ پم تا ۲۰۰۰ پم) ۲. عصر هخامنشی تا اواسط ساسانی ۳. قرن ۶ تا ۸ هجری قمری. سه دوره‌ای که از آن هیچگونه آثار باستانی تاکنون در سیستان ایران به‌دست نیامده عبارت‌اند از: ۱. قبل از عصر مفرغ (عصر مس‌سنگی)، ۲. از ۲۰۰۰ پم تا دوره هخامنشی (عصر آهن)، ۳. صدر اسلام.

البته این نکته را نباید فراموش کرد که سیستان در گذشته سرزمین بسیار پهناوری را تشکیل می‌داده است که هم اکنون بخش وسیعی از آن در کشور افغانستان قرار دارد و هنوز این بخش بطور کامل بررسی باستان‌شناسی نشده است. احتمال این که بعد از بررسی باستان‌شناختی سیستان افغانستان (ولایات هلمند، نیمروز و فراه) این نتیجه‌گیری بهم بخورد، بسیار زیاد است.

پیدایش و زوال تمدن‌ها در سیستان نتیجه دو عامل عمده است که هر یک از آنها دارای فاکتورهای متعددی می‌باشند. عوامل طبیعی و انسانی از اصلی‌ترین این مؤلفه‌ها به‌شمار می‌روند. چنان‌که آب، خاک، اقلیم، پوشش گیاهی و جانوری نقش فزاینده‌ای در نوزایی تمدن‌ها یا زوال آنها در سیستان داشته‌اند. در این جریان، نقش آب از همه چشمگیرتر است. زیرا به همان نسبت که سبب پیدایش و شکوفایی شهرها و آبادی‌ها در سیستان می‌گردد، با برافتادن جریان آن، چه به صورت طبیعی (خشکسالی و سیل) و چه مصنوعی (بستن سد در هیرمند علیا و انحراف آب)، مسبب فروپاشی آنها نیز بوده است. عامل انسانی گرچه در بیشتر موارد مولود زایش تمدن در این سرزمین بوده است؛ اما هجوم و غارتگری اقوام بیگانه، کوچ اجباری ساکنان آن، از بین بردن سدها و بندهای هیرمند سفلی یا انحراف آب با بستن سد در هیرمند علیا و ایجاد مرزهای سیاسی مصنوعی از عوامل اصلی فروپاشی تمدن‌ها در سیستان بشمار می‌رود.

کتاب‌نامه

الف) فارسی

- ابراهیم‌زاده، عیسی، لشکری‌پور، غلامرضا، مریدی، علی اصغر (۱۳۸۳). «تأثیر عوامل زمین‌شناسی در تغییر مسیر رودخانه‌ی هیرمند و نقش تاریخی آن در جابجایی سکونتگاه‌ها در سیستان»، مجله جغرافیا و توسعه، پاییز و زمستان، ۱۳۸۳: ۴-۱۶.

رایت منصور ♦ ۹۵

زمردیان، محمدجعفر و محسن پورکرمانی (۱۳۶۷). «بحثی پیرامون ژنومورفولوژی استان سیستان و بلوچستان (۲)، ویژه آب و خاک زابل»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱: ۱۰۰-۱۲۱.

قهرودی تالی، منیژه (۱۳۷۰). توان طبیعی سیستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا، تهران، دانشگاه تهران (منتشر نشده).

باستانی پاریزی، ابراهیم (۱۳۷۶). «چاه نیمه در راه خلافت»، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال سوم، شماره ۱: ۱-۲۷.

باسورث، ادموند کلیفورد، تاریخ سیستان، ترجمه حسن انوشه، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰
سید سجادی، سید منصور، راهنمای مختصر آثار باستانی سیستان، زاهدان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۲

فرنیغ‌دادگی، بندهشن، به کوشش مهرداد بهار، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۹
مکماهون، سرآرتور هنری، «نقشه‌برداری و اکتشافات جدید در سیستان»، جغرافیای تاریخی سیستان، سفر با سفرنامه‌ها، به کوشش دکتر حسن احمدی، تهران، مؤلف، ۱۳۷۸

مهرآفرین، رضا، «زنگ در قرون نخستین اسلامی»، فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام، قم، مؤسسه آموزشی باقرالعلوم، سال سوم، پاییز ۱۳۸۱

مهرآفرین، رضا، بر چکاد اوشیدا، تهران، نشر دریافت، ۱۳۹۱
مهرآفرین، رضا و موسوی حاجی، سیدرسول، بررسی روشمند باستان‌شناختی سیستان (فاز ۲)، تهران، کتابخانه پژوهشکده باستان‌شناسی کشور، ۱۳۸۸

موسوی حاجی، سیدرسول و مهرآفرین، رضا، بررسی روشمند باستان‌شناختی سیستان (فاز ۱)، تهران، کتابخانه پژوهشکده باستان‌شناسی کشور، ۱۳۸۶

موسوی حاجی، سیدرسول و سوسن بیانی (۱۳۸۱). «تأملی در اثبات یک حقیقت مهم تاریخی، تغییر دارالحکومه از زنگ به شهر سیستان»، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۶۳، دوره ۵۲: ۵۲۷-۵۴۷.

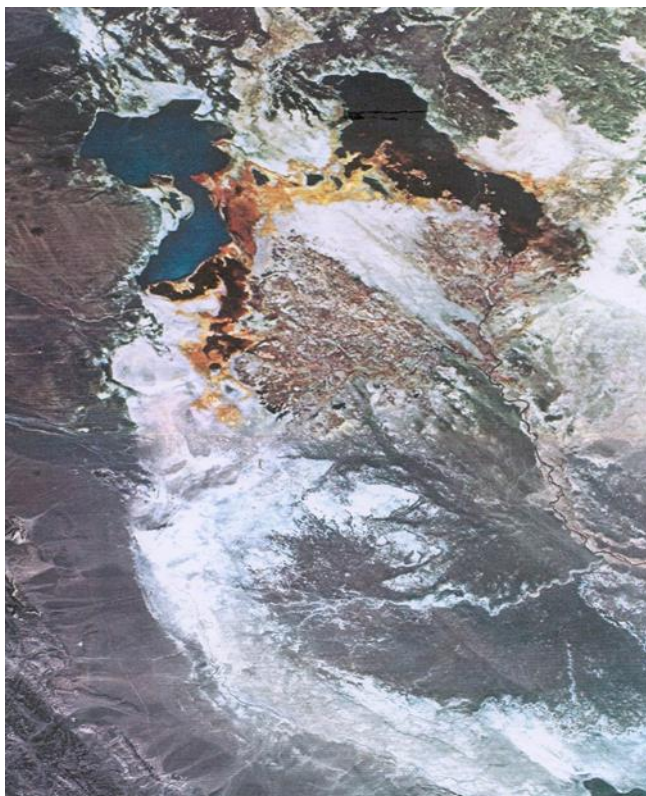
موسوی حاجی، سیدرسول (۱۳۸۲). پژوهشی در باستان‌شناسی زنگ دوره اسلامی (بررسی میدانی در محوطه اسلامی زاهدان کهنه واقع در شرق سیستان)، رساله دوره دکتری باستان‌شناسی (گرایش دوران اسلامی)، تهران، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

هدین، سون، (۲۵۳۵). کویرهای ایران، ترجمه پرویز رجبی، تهران: انتشارات توکا.

ب) نوافرسی

Hazlitt, William (1851). *The Classical Gazetteer, A Dictionary of Ancient Geography, Sacred and Profane*, London, Whittaker.

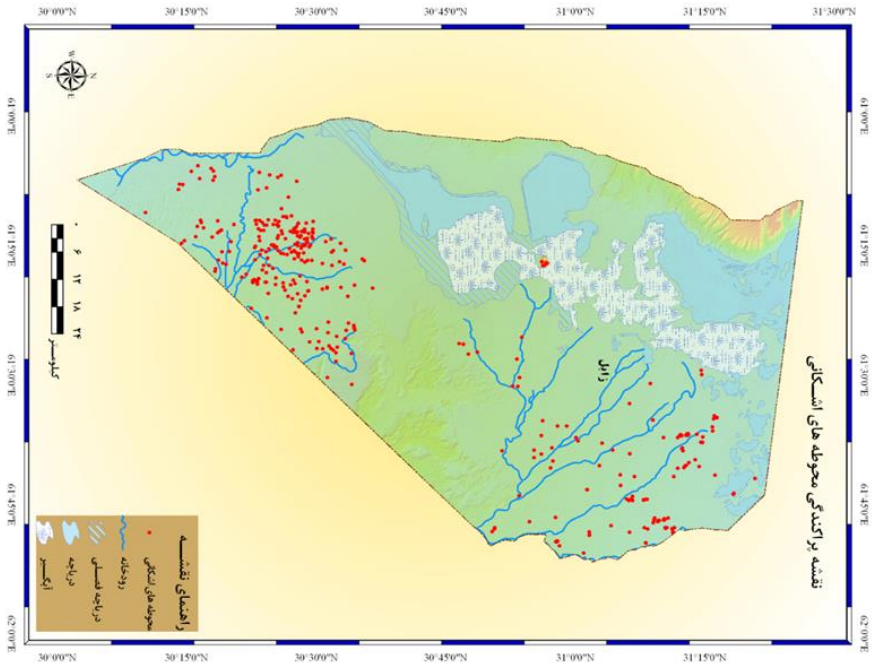
۹۶ ♦ عوامل مؤثر در شکل‌گیری و فروپاشی تمدن‌ها در سیستان



تصویر ۱. تصویر ماهواره‌ای سیستان



تصویر ۲. دفن روستایی در زیر تپه‌های ماسه‌ای در بخش زهک سیستان



تصویر ۳. پراکنندگی محوطه‌های دوره اشکانی در سیستان



تصویر ۴. آب و پوشش گیاهی در بخش هیرمند



تصویر ۵. زاهدان کهنه. این شهر به دست تیمور لنگ ویران شد



تصویر ۶. زیارت بی بی دوست. ضریح و صندوق نذورات در سال‌های اخیر در کنار درخت مقدس گذاشته شده است



تصویر ۷. سطح بسیاری از محوطه‌های باستانی سیستان پوشیده از مواد فرهنگی است. منطقه تاسوکی



تصویر ۸. کوره‌ای در منطقه رود بیابان

۱۰۰ ♦ عوامل مؤثر در شکل‌گیری و فروپاشی تمدن‌ها در سیستان



تصویر ۹. ویرانه‌های یک آسباد. زاهدان کهنه

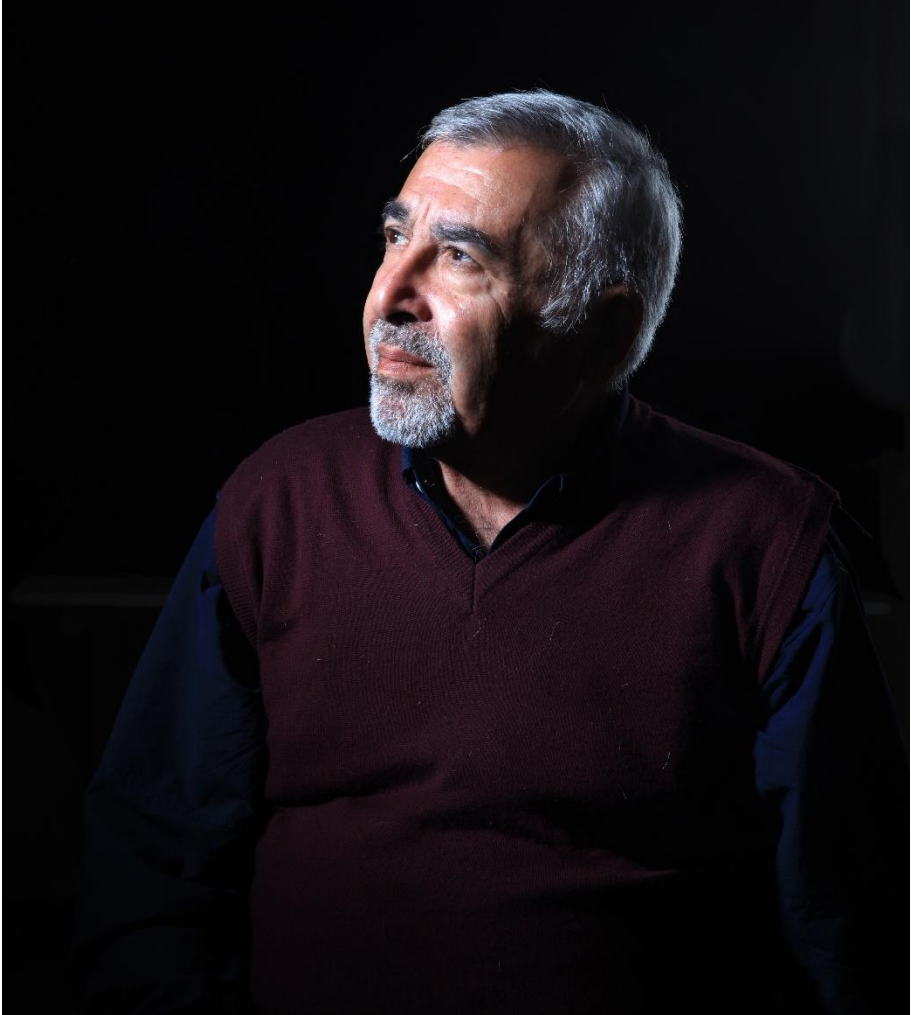


تصویر ۱۰. دو اسکلت سطحی در مجاورت هم. منطقه تاسوکی

Investigation of Newly Discovered Architectural Monuments on the Slopes of Zivieh Tepe, Kurdistan. Is the Zivia Brick Building a Larger Complex? Sirwan Mohammadi Ghasriyan, Ali Hozhabri	249
Urartian Goddesses in Urartian Culture Maryam Dara	263
Fire Temple of Kalega Ali Nourallahi	283
Opinion of Some Archaeologists and Researchers about Burial in the Manner of offering Against Vultures Mehdi Rahbar	341
Notes on Eastern Iran During Post-Achaemenid, Parthian and Sasanian Period: A Preliminary Reappraisal of The Ismeo Excavations at Qal'A-Ye Tepe And Qal'A-Ye Sam In Sistan Giulio Maresca, Persian Translation: Azadeh Azadinezhad	373
Revising Geography and Political History of the Alawites Zaydi Tabaristan Referring to the Sources of Numismatic Majid Hajitabar	383
The Newly Discovered Jamalabad Caravanserai in Urmia and the Review of the Silk Road Route in West Azerbaijan Behrouz Khanmohammadi, Ali Sadraei	407
Report of the Third Season of the Archaeological Excavation of the Kahanak Site of Sarbisheh City Mohammad Farjami, Aliasqar Mahmoodi Nasab	425
Analysis of the New Inscription of Kermani Mosque (Sheikh Ahmad Jam Tomb Collection) Faramarz Saber Moghaddam	445

Contents

Rayat e Mansur Shahin Aryamanesh	9
Ancient Monuments of Gates of Asia (Preliminary Report of the Archaeological Survey of Qasr Shirin city) Ali Hozhabri	43
A Review of Settling Down of Sar Gachineh Plain Nomads Maryam Fattahi Pour, Meysam Gordi	63
The Effective Factors in the Formation and Collapse of Civilizations in Sistan Reza Mehr Afarin	83
Shahr-e Sukhteh and Its Role in the Formation of Bactria–Margiana Culture Farshid Iravani Ghadim, Hamed Tahmasebi Zaveh	101
A Study the Changes of Customs in the Shahr-e Sukhteh Based on the Funeral Tradition Zahra Rajabioun	113
Gender Segregation of Workers in the Proto Elamite Period in the Late Fourth Millennium BC in Iran Rohhollah Yousefi Zoshk, Morteza Hessari, Saeid Baghizadeh, Donya Etemadifar	129
An overview of the Cows figurines of the Shahr-e Sukhteh Saeid Parsaeyan	147
Simorum, Lolobum, and Gutium; A New Clue to the Presence of Mesopotamian Ruler around Mount Bemo, Azgeleh-Kermanshah Sajjad Alibeygi, Shahram Aliyayari, John McGinnis and Nasser Aminikhah	161
A Study on the Complete Figures of the Neo-Assyrian Era Iraj Rezaei	181
Dating and Chronology of Petroglyphs in Saravan (South Eastern Iran): Based on Archaeological Evidences Hossein Moradi, Mojtaba Soltani, Hossein Sarhaddi Dadian	213
Tomb of Lor Balajuq, Urmia Behrouz Khanmohammadi, Ali Sadraei	235



**Richt, &
Tissphernes Archaeological Research Group
978-622-5684-12-6
Published in Iran (Persia)**

RAYAT-e MANSUR

Distinguished Scholars of Cultural Heritage of Iran (Vol 6)

Special Edition
in Honor of
Dr. Seyed Mansur Seyed Sajjadi

Edited by:
Dr. Shahin Aryamanesh



2022



RAYAT-E MANSUR

DISTINGUISHED SCHOLARS OF
CULTURAL HERITAGE
OF IRAN (VOL 6)

SPECIAL EDITION
IN HONOR OF
DR. SEYED MANSUR SEYED SAJJADI

EDITED BY:
SHAHIN ARYAMANESH